

درپچه

۷ میلیون ایرانی فشار خون بالا دارند ونمی‌دانند

● شرق: وزیر بهداشت اعلام کرد- ۴۰ ۵۰ درصد مردم از بیماری فشار خون خود اطلاعی ندارند.
سعيد نمکی این خبر را در نشست اعلام آغاز طرح بسیج ملی کنترل فشار خون بالا از ۲۷ اردیبهشت ماه اعلام کرد و افزایش آگاهی مردم از فشار خون و اثرات سوء آن را از اهداف این طرح برشمرد. او در این نشست تعداد ایرانیان مبتلا به فشار خون بالا را ۱۵میلیون نفر اعلام کردند. با این حساب می‌توان گفت حدود هفت میلیون نفر در ایران هستند که فشار خون بالا دارند و خودشان از آن بی‌خبرند.
سعيد نمکی در نشست خبری «بسیج ملی کنترل فشار خون» افزایش سلامت تحصیل کنندگان و نارسایی کلیه و سکنه‌های مغزی و قلبی را که علل عمده آن فشار خون است، علت اجرای طرح بسیج ملی فشار خون دانست و افزود: ۴۰ ۵۰ درصد مردم از بیماری فشار خون خود اطلاعی ندارند و درواقع افزایش آگاهی مردم از فشار خون و اثرات سوء آن از اهداف این طرح است.
ناکاهی افراد از بیماری فشار خون بسیار خطرناک است؛ این افراد زمانی از فشار خونشان مطلع می‌شوند که با سکنه مغزی، قلبی یا با نارسایی کلیه... به بیمارستان مراجعه می‌کنند.
نخستین برنامه ما اولویت‌دادن پیشگیری بر درمان است. در این حوزه باید به سراغ بیماری‌هایی برویم که بار بیشتری را به نظام سلامت تحمیل می‌کنند که یکی از آنها فشار خون است. سال گذشته ۱۰ میلیون نفر در جهان به دلیل عوارض بیماری فشار خون، جان خود را از دست دادند.
برآورد ما این است که ۱۵ میلیون ایرانی، مبتلا به فشار خون هستند. وزیر بهداشت افزود: در این زمینه نخستین گامی که باید برداریم این است که به مردم هشدار دهیم که فشار خون آنها مهم است. در عین حال متأسفانه برخی از پزشکان ما از دستگاه فشار خون در مطب‌های خود استفاده نمی‌کنند و باید به طبیان هم اهمیت کنترل فشار خون را گوشزد کنیم.
دومین موضوعی که مردم باید از آن آگاه باشند، این است که هر ایرانی در بالای ۳۰ سال که سن ورود به بیماری پرفشاری خون است، باید فشار خون خود را کنترل کند. در کنار این آگاهی‌رسانی، مردم ما باید از روش‌های کنترل فشار خون مطلع باشند. اما باید تسهیلات وزیرساخت‌هایی را در این زمینه فراهم کنیم.وزیر بهداشت با بیان اینکه بنابراین سیاست نخستمان اولویت پیشگیری بر درمان است، گفت: اولویت و سیاست دوممان توسعه درمان سربایی نسبت به درمان بستری است که ارزان‌ترین و در دسترس‌ترین آن مراجعه به سطح یک ارائه خدمات است.
درعین‌حال، مردم باید شیوه زندگی مناسبی را هم برای تداوم زندگی رعایت کنند که یکی از آنها تغذیه است.او با اشاره به مصرف نمک در کشور گفت: یکی از علل فشار خون بالا مصرف نمک است و مردم ما مصرف نمک بالایی دارند، مصرف نمک بالا در کشورمان ریشه در فرهنگ و تاریخ مردم ما دارد. ایران سرزمینی پر آشپز است؛ بنابراین گذشتگان ما که کار و کشاورزی می‌کردند، تعریق زیاد داشتند و سدیم از دست می‌دادند و به همین دلیل باید سدیم دریافت می‌کردند و نمک مصرف می‌کردند، حال امروز فرزندان در سایه‌نشین با همان الگوی تغذیه زندگی می‌کنند؛ بنابراین باید این الگوی تغذیه‌ای را تغییر دهیم.نمکی با بیان اینکه به‌صورت ناگهانی نمی‌توانیم الگوی تغذیه مردم را تغییر دهیم، گفت: باید با شیوه‌های پلکانی این کار را انجام دهیم و کار بتوانیم.
۳۰ درصد مصرف نمک در جامعه را کم کنیم، اقدام بزرگی انجام داده‌ایم. در این زمینه باید ابتدا به سراغ رستوران‌ها و آشپزخانه‌ها و مهم‌تر از همه به سراغ خانم‌های خانه برویم. ما نمی‌خواهیم شعار دهیم که نمکدان باید از سفره حذف شود، اما اگر بتوانیم درصدی از مصرف نمک را به مفهوم مطلق سرش در زندگی خودش بود، با همه این سکوت و کم‌بودن ارتباطش با بقیه کاسب‌های معروف اما همه خلیل را دوست داشتند. خلیل که با یک وام کوچک از بنیاد جانپازان توانسته بود کارگاه کوچک تولید لباس با الیاف طبیعی راه بیندازد، در عرض ۱۰ سال مرد آبرودار و بنام بازار شد. روزی نبود که خلیل با خلیل‌ها برای شهرهای اطراف نداشته باشد؛ خوش‌حساب بود و سعی می‌کرد حق کسی را ضایع نکند. هر محرم سفره هیتش به راه بود و زندگی برای او روزهای خوشش را داشت. جدا از اینها خلیل از خبرینی بود که در سال‌های گذشته بارها در همین صفحه‌گره از کار مردم باز کرده بود. زندان بودن، از دست دادن فرزند و خیانت نزدیک‌ترین به بی‌صدا و مثل سایه می‌ماند و تمام تلاشتش همین بود کسی نام و نشانش را نداند. نام و نشان خلیل چون یک راز پیش تمام گروه‌هایی مانده بود که او با آنها کار می‌کرد. برای همین خلیل را خیلی از مردم می‌شناختند و دوستش داشتند. نه کسی می‌دانست جانپاز خاص است، نه کسی هرگز از او درباره کارهایش می‌شنید. آرام بود و اخمو اما قلب مهربانش را تمامی کسبه می‌شناختند و مشکل‌گشای شهرش بود.
خلیل در همه این سال‌ها با نزدیک‌ترین دوستش که ازقضا برادر همسرش بود، کار می‌کرد. عزت، پسری بود که در دامن خلیل بزرگ شده بود. خلیل ۶ سال اسیر بود و پس از آزادی در ۲۷سالگی داماد شد. آن زمان عزت ۱۰ساله بود. خلیل به او راه‌ورسم کاسبی یاد داد و او را در کنارش بزرگ کرد. عزت ازدواج کرد و در کنار خلیل ایستاد. نزدیکی و اعتماد خلیل به عزت به حدی بود که حق امضای چک‌ها و بخش عمده‌ای از حساب‌ها به نام عزت بود. در تمام سال‌هایی که با هم کار می‌کردند، عزت مانند فرزند خلیل در کنارش بود. مدیریت بخشی از حجره‌ها را داشت و به انبار

معصومه اصغری: دی‌ماه سال گذشته بود که طرح تحقیق و تفحص از بانک شهر در کمیسوین اقتصادی مجلس شورای اسلامی تصویب شد و اکنون یعنی پنج ماه بعد در صحن علنی به تصویب رسیده است، درحالی‌که این بانک پس از یک سال همچنان بدون مدیرعامل و با همان شرایط قبلی به کار خود ادامه می‌دهد.
موضوع این تحقیق و تفحص چندان دور از موضوعات تحقیق و تفحص روی‌زمین‌مانده از شهرداری تهران در دوره گذشته نیست. مواردی مانند بررسی نحوه گرفتن زمین و ساختمان از شهرداری تهران و شهرداری‌های دیگر، بررسی اقدامات شرکت مسکن و ساختمان «جهان» وابسته به بانک شهر، بررسی اقدامات مرتبط با خط شش مترو، بررسی نحوه پرداخت و خرید پروژه مکالمال، بررسی نحوه صدور پروانه ساختمانی برای ساختمان‌های بانک، بررسی دادن وام به شهرداران و مدیران شهرداری، بررسی اهلیت مدیران بانکی و نسبت مدیران بانک و مدیران شهرداری و نسبت‌های احتمالی فامیلی میان کارکنان بانک و مقامات شهرداری از جمله محورهای اصلی این تحقیق و تفحص هستند.

آنچه مجلس شورای اسلامی دست روی بررسی آن گذاشته، همان وظیفه نظارتی شورای شهر تهران است که از سال‌ها قبل به سبب قانون تجارت و سهام عامی که این بانک بین شهرداری‌ها دارد، آن را رها کرده است. در این سال‌ها گزارشی درباره عملکرد این بانک، زیرمجموعه‌های تجاری مانند شرکت «جهان» و سرمایه‌گذاری‌ها و دخالت‌هایی که در پروژه‌های شهری داشته، در شورای شهر تهران ارائه نشده است. شورای شهر دوم و سوم و چهارم ترجیح می‌دادند به بانک شهری که در خلا سرمایه‌گذار و بانک‌های دیگر و در شرایط بی‌پولی شهرداری، تنها جیب پیروپ و خیال جمع مالی‌شان است، کاری نداشته باشند و که‌گاهی با حرکت‌های نمایشی در شورا و اظهار نگرانی از عملکرد این مجموعه و به‌ویژه شرکت جهان، از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی کنند؛ جریان اصلاح‌طلب‌که قرار بود با محور شفافیت بهشت را اداره کند، سراغ این‌حیط خلوت پرماجرا نرفت. سه شهرداری که بعد از قالیاباف تا امروز مسئولیت داشته‌اند، به این موضوع

کمک به خلیل که روزی گره‌گشای مردم شهر بود



شرق: خلیل، مرد مشهور و سربه‌راهی بود. از جانپازهای جنگ و کاسبی که از مسافرکنشی شروع کرد و به پشتوانه هوشی که داشت، از تاجران بنام یکی از استان‌های مرکزی ایران شد. خلیل ۵۵ساله، مرد میان‌سال و آرامی بود که کمتر با کسی صحبت می‌کرد و به مفهوم مطلق سرش در زندگی خودش بود. با همه این سکوت و کم‌بودن ارتباطش با بقیه کاسب‌های معروف اما همه خلیل را دوست داشتند. خلیل که با یک وام کوچک از بنیاد جانپازان توانسته بود کارگاه کوچک تولید لباس با الیاف طبیعی راه بیندازد، در عرض ۱۰ سال مرد آبرودار و بنام بازار شد. روزی نبود که خلیل با خلیل‌ها برای شهرهای اطراف نداشته باشد؛ خوش‌حساب بود و سعی می‌کرد حق کسی را ضایع نکند. هر محرم سفره هیتش به راه بود و زندگی برای او روزهای خوشش را داشت. جدا از اینها خلیل از خبرینی بود که در سال‌های گذشته بارها در همین صفحه‌گره از کار مردم باز کرده بود. زندان بودن، از دست دادن فرزند و خیانت نزدیک‌ترین به بی‌صدا و مثل سایه می‌ماند و تمام تلاشتش همین بود کسی نام و نشانش را نداند. نام و نشان خلیل چون یک راز پیش تمام گروه‌هایی مانده بود که او با آنها کار می‌کرد. برای همین خلیل را خیلی از مردم می‌شناختند و دوستش داشتند. نه کسی می‌دانست جانپاز خاص است، نه کسی هرگز از او درباره کارهایش می‌شنید. آرام بود و اخمو اما قلب مهربانش را تمامی کسبه می‌شناختند و مشکل‌گشای شهرش بود.

خلیل در همه این سال‌ها با نزدیک‌ترین دوستش که ازقضا برادر همسرش بود، کار می‌کرد. عزت، پسری بود که در دامن خلیل بزرگ شده بود. خلیل ۶ سال اسیر بود و پس از آزادی در ۲۷سالگی داماد شد. آن زمان عزت ۱۰ساله بود. خلیل به او راه‌ورسم کاسبی یاد داد و او را در کنارش بزرگ کرد. عزت ازدواج کرد و در کنار خلیل ایستاد. نزدیکی و اعتماد خلیل به عزت به حدی بود که حق امضای چک‌ها و بخش عمده‌ای از حساب‌ها به نام عزت بود. در تمام سال‌هایی که با هم کار می‌کردند، عزت مانند فرزند خلیل در کنارش بود. مدیریت بخشی از حجره‌ها را داشت و به انبار

جامعه

تحقیق و تفحص از بانک بلا تکلیف



در شهرداری و پیمانکارانش از عادت قدیمی بانک‌ها یعنی گرفتن ملک به جای پول خواسته و ناخواسته بیش از اندازه استفاده کرد و حتی از بانک مرکزی به‌خاطر همین رفتار غیراقتصادی تذکر گرفت. درعین‌حال در میان سال‌هایی که شروع ظهور بدهکاری‌های شهرداری تهران را شاهد بودیم و بدهی به پیمانکاران تلنبار شده بود، شورای شهر روندی غیر رسمی و غیرمعمول بین بدهکاران و طلبکاران شهرداری را رسمیت بخشید تا در روندی که خودشان هم بعدها به محاسبه آن گرفتار شدند، به جای پول، ملک به بدهکاران بدهند و این‌گونه بود که مجموعه‌هایی به نام کارگزاری شکل گرفتند؛ اما بانک شهر به مرور زمان دچار دو مشکل جدی شد؛ حجم دارایی‌های غیر نقد بانک شهر نسبت به دارایی‌های نقد آن از استاندارد بانک مرکزی بسیار فراتر رفت و محاسبه باقی مانده بانک در دارایی‌هایی دارد که یا سند ندارند یا سدی دارند که مشتری برای آن نیست و به قول محمود میرلوحی، عضو شورای شهر تهران: «بانک شهر وظیفه تأمین منابع برای شهرداری‌ها را داشته اما وارد کار املاک شده و املاک را هم با قیمت‌های نامناسب خریداری کرده و حالا نزدیک به ۶۰ درصد منابعش فریز شده است».

بهاره آروین، عضو هیئت‌رئیس‌ه شورای شهر تهران به نقل از گزارش شفافیت بانک مرکزی، گفته است: «بانک شهر از میان ۲۴ بانک و مؤسسه اعتباری، رتبه ۲۱ را کسب کرده و علت این رتبه پایین بانک شهر، مناسبات غیرشفاف بانک شهر با شهرداری تهران است». این گفته آروین می‌تواند نزدیک به واقعیت باشد اگر به محورهای تحقیق و تفحص مجلس از بانک شهر نگاهی بیندازیم.

بانک شهر که بازوی قدرتمند شهرداری تهران در دوره اصولگرایان بود، اکنون حداقل به‌واسطه طلب چنده هزار میلیاردی‌ای که شهرداری دارد، به ضایعه و بارش بر دوش شهرداری و مدیریت شهری تبدیل شده است؛ شرایطی که حتی برخی در شروع دوره جدید اصلاح‌طلبان در بهشت این استدلال را داشتند که اصولگرایان می‌توانند از بیرون گود با همین بانک شهر و خرده مشکلات چند هزار میلیاردی آن، اصلاح‌طلبان را در شهرداری به زمین بزنند. در این مدت برخی از اعضای شورای پنجم مانند معدود اعضای شورای چهارم به‌دنبال رسیدگی به تخلفات بانک شهر و شرکت‌های زیرمجموعه آن از طریق سازمان‌های نظارتی بودند. رحمت‌الله حافظی در دوره چهارم از سازمان بازرسی کل کشور درخواست پیگیری داشت و ناهید خادکرمی سال گذشته در صحن شورای شهر گفته بود: «شرایط امروز شهرداری تهران با بدهی چندین‌هزارمیلیاردی و «معاملات ضریبری» و «صوری» بانک شهر، شهرداری و کارگزاری‌های زیرمجموعه آن در خرید و فروش هولوگرام و به عبارتی پیش‌فروش شهر، ایجاد می‌کند تا سازمان بازرسی شهرداری کم و کیف معاملات ذیل را بررسی کند و به اطلاع افکار عمومی و شورای اسلامی شهر تهران برساند؛ اما اکنون با ورودی که مجلس شورای اسلامی به این موضوع داشته است، باید منتظر ماند و دید که آیا این تحقیق و تفحص یک حرکت نمایشی است که قرار است در روزهای پایانی سال در دستور کار بیاید یا قرار است با رسیدگی سریع به این شرایط علاوه بر نجات یک بانک به‌عنوان یک سرمایه اقتصادی و اجتماعی (برای شهردارها)، مدیریت شهری را هم از برخی تنگناها خارج کند، حتی اگر مدیریت شهری باشد که خودش دل و جرئت ورود و رسیدگی به آن را ندارد.

آگهی تسلیم سند مالکیت پلاک ۳ فرعی از ۴۶۵۱ اصلی واقع در بخش ۶ تهران

سند مالکیت شش‌دانگ یک قطعه زمین بمساحت ۶۳۱/۹۳ متر مربع پلاک ۴۶۵۱/۳ واقع در بخش ۶ تهران ذیل ثبت ۲۴۱۲۱ صفحه ۴۱۷ دفتر ۱۹۵ بشماره چاپی ۶۹۴۸۹۷ بنام آقای عین اله آروری ثبت و صادر گردیده سپس مع الواسطه بموجب اسناد شماره ۱۰۵۹۹۲-۵۳/۳/۲۳- دفتر خانه ۳۰ تهران و ۶۹۸۶۹-۷۲/۱۱/۴- دفتر خانه ۱۸ تهران به آقای سید حبیب اله ابوالسباع منتقل شده است. نامبرده طبق دادنامه ۷۳۷-۱۳۸۲/۹/۸- شعبه ۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران فوت وراث حین افوت عبارت‌تند از علی اکبر و هادی و فرح السادات و گیتی ومی باشند که نسبت به سهم تعدادی از وراث سند صادر شده است که نسبت به سهم گیتی ابوالسباع انتقال بشماره ۱۲۲۷۸۳-۹۴/۶/۳۱- دفتر خانه ۲۷۴ تهران به بهمن برنده منتقل گردیده که سند صادر شده که سند صلح فسخ گردیده و در شرف صدور سند بنام گیتی ابوالسباع می باشد.خانم فرح السادات طی درخواستی تقاضای صدور سند سهم الارث خویش را نموده و اعلام نموده اند اصل سند مالکیت در ید آقای علی اکبر ابوالسباع می باشد که به نامبرده طی شماره ۱۰۶۴۶-۹۷/۱۰/۲۹- اخطار شده است. سند مالکیت را تحویل اداره ثبت نماید که در موعد مقرر سند مالکیت ارائه نکر دیده است. لذا در اجرای تبصره ۳ ذیل ماده ۱۲۰ اصلاح موادی مرقوم غیر از موارد مذکور در فوق و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خویش میباشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز به این واحد ثبتی مراجعه و اعتراض خویش را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت دارد. بدیهی است چنانچه ظرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض سند مالکیت ارائه نشود سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۱۳۰۰ اداره ثبت اسناد و املاک مولوی تهران

آگهی مزایده مال غیر منقول پرونده اجرایی ۹۶۰۴۷۲۱

مقدار ۰/۶۵ دانگ مشاع از شش‌دانگ قطعه ۲۱ تفکیکی واقع در سمت شمالشرقی طبقه ۶ از پلاک ثبتی ۱۵۴ فرعی از ۱۲۲۴ اصلی مغروز و مجزی شده از ۱۳۳ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۱ تهران به مساحت ۱۹۶/۰۹ متر مربع که با انضمام پارکینگ یک قطعه ۱۵ به مساحت ۱۱ متر مربع واقع در سمت غربی زیرزمین اول و انباری قطعه ۱۱ به مساحت ۵/۴۴ متر مربع واقع در سمت غربی زیرزمین یک ذیل ثبت ۴۶۹۴۰۷ دفتر ۲۱۵۸۱/۲ صفحه ۳۷۴ ثبت و مع الواسطه به آقای محمود محمدی منتقل گردیده است که حدود اربعه آپارتمان به شرح ذیل می باشد: شمالا در دو قسمت بطول های ۶/۲۰ متر، ۶/۳۹ متر، اول نرده و دیوار بالکن، دوم دیوار و پنجره است، شرقا: بطول ۱۲/۷۴ متر، و دیوار و پنجره است جنوبا در شش قسمت که قسمت دوم آن شرقی قسمت پنجم آن غربی است بطول های ۵/۸۵ متر، ۳/۱۰ متر، ۷/۷۰ متر، ۰/۰۸ متر، ۱/۳۰ متر، ۲/۶۰ متر، اول و دوم دیوار و پنجره است، سوم درب و دیوار یست، چهارم تا ششم دیوار یست مشترک، سوم به راه پله و آسانسور مشاعی چهارم تا ششم به آپارتمان مسکونی قطعه ۲۰ غربا در شش قسمت، که قسمت های دوم و چهارم آن شمالی است. بطول های ۱/۷۰ متر، ۲/۸۱ متر، ۱۰/۲۵ متر، ۰/۸۳ متر، ۰/۱۹ متر، اول تا ششم دیوار یست مشترک، اول تا ششم به آپارتمان مسکونی قطعه ۲۰ کف با سقف طبقه پنج اشتراکی است.سقف با کف طبقه هفت اشتراکی است. محتویات ملک: که در داخل آن داکت به مساحت ۱/۲۵ متر مربع و در دو قسمت قرار دارد. حدود پارکینگ: شمالا بطول ۵ متر خط فرضی به محوطه مشاعی است. شرقا: بطول ۲/۲۰ متر خط فرضی به محوطه مشاعی است. جنوبا:بطول ۵ متر خط فرضی به محوطه مشاعی است به پارکینگ مسکونی قطعه ۱۴ غربا بطول ۲/۲۰ متر خط فرضی به محوطه مشاعی است. کف با سقف زیرزمین ۲ اشتراکی است سقف با کف طبقه همکف اشتراکی است. حدود انباری شمالا بطول ۱/۸۷ متر دیوار یست مشترک به انباری مسکونی قطعه ۱۲ شرقا: بطول ۲/۹۰ متر درب و دیوار یست به محوطه مشاعی جنوبا: بطول ۱/۸۸ متر دیوار یست مشترک به انباری مسکونی قطعه ۱۰ غربا بطول ۲/۹۰ متر دیوار یست به قسمت پر عرصه کف با سقف زیرزمین ۲ اشتراکی است.سقف با کف طبقه همکف اشتراکی است آدرس ملک: تهران میدان قدس خیابان دزاشیب سه راه عمار نبش کوچه کنی پلاک ۱ مجتمع بهاران شمال شرقی طبقه ششم که طبق گزارش ارزیابی وارده به شماره ۱۳۰۱۳۵۲۷-۹۷/۴/۳- کارشناس رسمی دادگستری ملک (آپارتمان) ساختمان بصورت مجتمع آپارتمانی شامل طبقه همکف و سه طبقه زیر زمین و هفت طبقه روی همکف و مجموعا شامل بیست واحد می باشد.آپارتمان دارای هال و پذیرایی سه اتاق خواب آشپزخانه حمام و سرویس بهداشتی می باشد کف هال و اتاق خواب از جنس پارکت و دیوارها و سقف از جنس گچ و خاک و سفید کاری شده و نقاشی شده سرویس بهداشتی ایرانی و فرنگی و حمام با وان که دیوار آن از جنس کاشی و کف آن از جنس سرامیک و آشپزخانه بصورت اپن باکف از جنس سرامیک و دیوارهای از جنس کاشی با کابینت اد می اف می باشد. طبقات زیرزمین اول و دوم به عنوان پارکینگ و انباری با کف و دیوار تا ارتفاع حدود ۱۲۰ سانتی متر از جنس سنگ و مابقی از جنس سیمان و سقف از جنس سقف کاذب و طبقه زیرزمنی سوم به عنوان موتورخانه و سیستم گرمایش و سرمایش مرکزی پنجره ها یو پی وی سی دو جداره شیشه دایرهای داخلی پویی با دو دستگاه آسانسور اسکلت فلزی و سقف بتونی سیستم گرمایش و سرمایش مرکزی پنجره ها یو پی وی سی دو جداره درهای داخلی پویی با چارچوب فلزی و نمای ساختمان از جنس سنگ و کامپوزیت کف راه پله و قرنیز از جنس سنگ و دیوار و سقف از جنس رولکس و عمر تقریبی بنا حدود ۶ سال می باشد و به مبلغ ۲/۵۴۵/۸۳۳/۰۰۰ ریال ارزیابی شده است. و جهت وصول طلب بستانکار و حقوق دولتی فوق الذکر در روز شنبه مورخ ۹۸/۳/۱۸ از ساعت ۹ الی ۱۲ ظهر در محل تهران نبش چهارراه جهان کودک ساختمان معاونت اجرای اداره کل ثبت استان تهران سالن مزایده از طریق مزایده نقدا یا چک تضمینی بانک ملی بفروش می رسد و مزایده از مبلغ ۲/۵۴۵/۸۳۳/۰۰۰ ریال شروع و به بالاترین قیمت که خریدار داشته باشد فروخته خواهد شد شرکت در جلسه مزایده برای عموم آزاد است و فروش با ارائه چک تضمینی در وجه بانک ملی می باشد و هزینه های قانونی طبق مقررات وصول میگردد بدهی های مربوط به آب برق گاز اعم از حق اشعاب و اشتراک و مصرف و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهر داری و غیره که رقم قطعی آنها معلوم شده یا نشده بعهدہ برنده مزایده است چنانچه روز تعیین شده با تعطیل رسمی مصادف گردد روز بعد از تعطیلی جلسه مزایده در همان ساعت و مکان تشکیل مقرر برگزار خواهد شد و تنظیم سند انتقال موکول به ارائه مفاسا حسابهای داری و شهرداری و غیره خواهد بود ضمنا ملک طبق اعلام بستانکار به وارده شماره ۱۴۰۳۸۳۱۱-۹۷/۸/۲۸- بیمه میباشد.

م الف ۱۱۳۰۱ رئیس اداره چهارم اجرای اسناد تهران